

بقیه از صفحه ۲

اما تاکنون هیچ کدام از این ماجراجویی ها تا این حد به مرحله «خطر» برای صلح و امنیت بین المللی ارتقا داده نشده اند و به موضوع سازماندهی تحریم های اقتصادی و تهدید های نظامی علیه مردم و کشور تبدیل نگشته اند. ادامه وضعیت موجود می تواند سرنوشت کشور ما را دست خوش خطرات غیر قابل پیش بینی و سهمگینی بکند.

قطعه نامه قبلی شورای امنیت که بر اساس آن از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته شده بود که تا آخر ماه اوت غنی سازی اورانیوم را تعلیق نموده، همکاری های لازم را با آژانس بین المللی انرژی اتمی برای ارائه یک گزارش کامل از فعالیت های اتمی ایران، به انجام رساند، یک قطعه نامه الزام آور نبود، اما هر قطعه نامه ای که در روز ها و هفته های آتی تصویب شود، الزام آور خواهد بود. در واقع امر نیز قطعه نامه قبلی را باید توافقی محسوب داشت که بین شش کشور برای دادن فرصتی دیگر به دولت ایران در نظر گرفته شده بود. قدم بعدی که هم اکنون حول آن بحث می شود، جدا از این که متوجه چه اقداماتی باشد و چه نوع محدودیت هایی را در درجه اول مدنظر داشته باشد، قطعه نامه ای بر اساس پاراگراف ۴۱ منشور سازمان ملل خواهد بود که به شورای امنیت سازمان ملل، در صورت تشخیص خطری علیه صلح و امنیت بین المللی، اختیار می دهد، علیه دولت یا دولت هایی که این خطر از ناحیه آن ها محتمل است، تدابیری را اتخاذ نماید. سرپیچی از انجام خواست های شورای امنیت از سوی دولت مورد نظر با تصمیماتی دیگر و تدابیری سختگیرانه تر مواجه خواهد شد.

پیش نویس قطعه نامه جدیدی که در مورد ایران در حال حاضر مورد بحث است، خواستار تحریم هایی در زمینه تکنولوژی مربوط به موشک های بالستیک و فن آوری اتمی، محدودیت سفر دیپلمات ها و .. غیره است. هر چند پیش نویس اولیه مورد توافق روسیه نبود، اما روسیه نیز با اصل صدور چنین قطعه نامه ای مخالف نیست. شاید آنچه در نهایت مورد پذیرش شورای امنیت قرار بگیرد، همه خواست های طرفین از جمله تحریم های حاد مورد نظر آمریکا را در بر نداشته و حتی معتدل تر از متن فعلی باشد، اما یک واقعیت روشن است: در صورت ادامه وضع موجود در بحران اتمی، تصویب قطعه نامه تحریم قطعی است. با تصویب این قطعه نامه چرخش مهمی در مسیر پرونده هسته ای ایران رخ خواهد داد. هر کدام از دول عضو دائم شورای امنیت، با استفاده از موقعیت، منافع خود را نیز در حل این بحران دخالت داده و عملاً سرنوشت این پرونده، به منافع پنج قدرت دارای حق وتو در سازمان ملل گره خواهد خورد. آن چه که به کشور ما مربوط می شود، به جای مذاکره، دیگر بیشتر دیکته خواهد شد و هر روز خواست های جدیدتری پیش روی مسئولین دولتی گذاشته خواهد شد و تا

زمانی که اکثر این قدرت ها و در راس همه ایالات متحده به مطلوب خود نرسیده اند، این پرونده هم از دستور کار شورای امنیت خارج نخواهد شد و به یک پرونده سرنوشت ساز در رابطه با کشور ما تبدیل خواهد گشت.

در ایران البته، بدون توجه به این مسائل، فرماندهان اصلی بحران اتمی، از خامنه ای تا احمدی نژاد، خود را برای تحریم ها آماده می کنند. روند حوادث نشان می دهد که با وجود همه مخالفت ها حتی در درون حکومت، نه فقط هنوز دغدغه حل بحران اتمی از طریق مذاکره و تفاهم را ندارند، بلکه برعکس، با دامن زدن بر تنش با آمریکا و غرب به تشدید آن نیز می پردازند. اما به هر طریق ممکن، باید به این بازی با سرنوشت کشور پایان داده شود.

راه توقف روندی که شروع شده است، بازگشت پرونده اتمی ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی و حل مسائل دیگری که بر دوش این پرونده سنگینی می کنند، در جایگاه خود و در حوزه مسائل مورد اختلاف دولت جمهوری اسلامی با دیگر دولت ها، قبل از همه ایالات متحده آمریکا است. اکنون با توجه به تحولات جدید در سیاست خاورمیانه ای آمریکا، امکانات واقعی برای چنین بازگشتی از مسیر کنونی فراهم تر شده است. دولت آمریکا که تاکنون موتور اصلی کشاندن پرونده اتمی ایران به شورای امنیت سازمان ملل بوده، طی هفته های اخیر تغییراتی را در سیاست خاورمیانه ای خود در پیش گرفته است، که با توجه به وخت روزافزون در عراق و تبدیل شدن آن به باتلاقی دیگر برای ارتش آمریکا، ثقل اصلی آن ها را تأکید بر همکاری با کشور های منطقه برای پایان دادن به خصومت و کشتار در منطقه و بخصوص در عراق، تشکیل می دهد. در این رابطه نیز، امکان همکاری با ایران مطرح شده است. قطعاً این رویکرد می تواند تأثیر مثبتی بر حل بحران در مناسبات ایران و آمریکا و بخصوص روند کنونی بحران هسته ای بگذارد.

اما کلید اصلی حل بحران هسته ای، در خود ایران است. دولت جمهوری اسلامی باید از سیاست ایدئولوژیک و مبتنی بر خصومت با دیگر دولت ها دست بردارد. کشور ما باید گره بحران اتمی را، از طریق دیپلماسی و دیالوگ با دیگر دولت ها باز کند. بدون هیچ تردیدی، برای حفظ منافع، استقلال و امنیت کشور، راهی جز مذاکره و توافق بر سر تعلیق غنی سازی نیست.

حل بحران اتمی در گرو پایان دادن به سیاست خارجی فعلی جمهوری اسلامی و گردن نهادن بر عرف بین المللی در مناسبات خارجی، احترام به حق حاکمیت ملت ها، عادی سازی مناسبات با دیگر دولت های عضو سازمان ملل، از جمله ایالات متحده آمریکا، پشتیبانی از صلح و همزیستی دو دولت اسرائیل و فلسطین در کنار همدیگر است.

## جمهوری اسلامی

### ۴ روزنامه و نشریه دیگر را بست

#### جنگ با مطبوعات

هیات نظارت بر مطبوعات که به شکل غیر رسمی به مثابه عامل سیاست های حکومت جمهوری اسلامی عمل می کند، دستور توقیف روزنامه شرق و سه نشریه خاطره، حافظ و نامه را صادر کرد. علت توقیف، تکرار همان دلایل نخ نمائی است که حکومت برای تعطیلی دهها روزنامه و نشریه توقیف شده بدان متوسل شده است. اتهام این ۴ روزنامه و نشریه، همان جمله تکراری "نشر اکاذیب" و "توهین به مقامات جمهوری اسلامی" است.

حمله به روزنامه ها، بستن و تعطیلی نشریات و دستگیری روزنامه نگاران عمری به درازای عمر حکومت جمهوری اسلامی دارد. از این رو توقیف این ۴ نشریه نیز چندان تعجبی بر نمی انگیزد و کار جدیدی نیست. آنچه شاید بتوان آن را جدید دانست، ابعاد و گستره تهاجم و تنگی محدوده هایی است که روزنامه ها در آن مجاز به سخن گفتن شده اند. اگر تا دیروز اظهار نظر در مورد رهبر جمهوری اسلامی و تعدادی از مقامات ممنوع بود، امروز انتقاد به پادوهای دست چندم این حکومت نیز با مجازاتی در حد توقیف نشریه مواجه می شود. فشار بر مطبوعات غیرحکومتی تا بدان اندازه افزایش یافته که حتی روزنامه شرق که بسیار محتاطانه عمل می کرد و در اغلب موارد در چارچوب های تنگ حکومت متوقف مانده بود نیز، از زیر تیغ پادوهای حکومتی در امان نماند.

آنچه که این روزها حکومت را به یورش به مطبوعات وسوسه می کند وضعیت پرونده اتمی جمهوری اسلامی و سیاست های ایران بر باد ده و ماجراجویانه حکومت در این رابطه است. سران حکومت اسلامی از انتشار خبر و صدائی متفاوت با صدای خود در میان مردم در هراس اند. آنها عزم جزم تر کرده اند که از رسیدن امواج خبرها و اطلاعات متفاوت به گوش مردم، جلوگیری به عمل آورند. حمله به آنتن های ماهواره ای، تعقیب و تعطیل کردن وبلاگ ها و بازداشت وبلاگ نویسان، فیلتر کردن سایت ها و بستن روزنامه ها و نشریات با این هدف انجام گرفته و ادامه پیدا کرده است. همچنین جناح حاکم جمهوری اسلامی مصمم شده است که کنترل کامل مجلس خبرگان و انتخابات شوراهای شهر و روستا را به چنگ آورد که لازمه آن بی خبر گذاشتن مردم و ایجاد جو رعب و وحشت در میان روشنفکران و اقشار آگاه مردم ایران است. اما مردم ایران به بهای تجربه تلخی که طی حکومت همین جمهوری اسلامی به دست آورده اند، امروز درس های بسیار آموزنده ای فراگرفته اند. حکومت می تواند مطبوعات و نشریات را به طور موقت توقیف کند، اما نمی تواند تلاش مردمی را که یاد گرفته اند با استفاده از همه وسائل ممکن سد سانسور حکومتی را درهم بشکنند، متوقف نماید.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن محکوم کردن تلاش های مذبوحانه حکومت در سد نمودن گردش آزاد اخبار و اطلاعات و اندیشه و از جمله توقیف معهود مطبوعات غیر دولتی در کشور، تمامی سازمانها و نهادهای سیاسی و مدنی و انسان های آزاده را فرا می خواند که از هر طریق ممکن به مقابله با حکومت سانسور برخاسته و خواستار آزادی انتشار مطبوعات و فعالیت آزادانه روزنامه نگاران در ایران گردند.

ما بستن روزنامه شرق و نشریات دیگر را در بجهت مذاکرات اتمی و در این برهه حساس نشانه ای از تلاش حکومت برای معامله بر سر منافع مردم ایران و اقدامی در کتمان بیشتر بند و بست های آتی آن با دول دیگر می دانیم و نسبت به هر گونه سازشی بر سر حقوق اساسی مردم ایران و چشم بستن مجامع بین المللی بر نقض حقوق بشر در کشورمان هشدار می دهیم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سه شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۵ برابر ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶